

نقش تاریخی یک نقشه برای مشهد

گذری بر تاریخ نقشه‌برداری و روایت نقشه‌ای که آینده شهر در آن ترسیم شد

رضا سلیمان نوری / خراسان پژوه

یکی از سنت‌های خوب مدیران فرهنگی ایران زمین از آن زمان که تقویم خورشیدی در کشور رایج شده تاکنون، اختصاص روزهای سال به افراد و مشاغل مختلف به‌منظور پاسداشت خدمات آنان است. سیزده شهر یور هم که بنابر اسناد موجود، محتمل ترین روز بین روزهای احتمالی برای تولد نابغه بزرگ ایرانی والیته خراسانی ودانشمند پیشتاز علوم مهندسی، ابوریحان بیرونی است، با توجه به جایگاه وی در ایجاد اصول نخستین فن نقشه کشی ونقشه برداری به‌فعالن این حوزه اختصاص پیدا کرده‌وروز «مهندسی نقشه‌برداری» نام‌گذاری شده است. ابوریحان بیرونی اقدامات مهمی درحوزه نقشه‌برداری انجام داده که اندازه‌گیری شعاع ونصف النهار ومحیط زمین، اندازه‌گیری فاصله‌میان شهرها، بررسی

وطراحی قواعد تسطیح ومصور سازی کروه‌ترسیم نقشه، طراحی روش‌های نو برای تهیه نقشه‌های جغرافیایی، اندازه‌گیری مختصات وطول وعرض جغرافیایی شهرهای متعدد، ابداع روش تعیین واندازه‌گیری زاویه‌انحطاط اقدرد مساحتی، بررسی نهرها ورودها، ساخت کره جغرافیایی، ساخت ابزارهای مشاهداتی، بررسی حرکت اجرام‌سماوی ومطالعه گرانش زمین‌ومرکز ثقل اجرام‌از مهم ترین آن‌ها محسوب می‌شود وبر همین‌اساس این نام‌گذاری بسیار دلنشین است. اما بهتر است بدانید که داستان نقشه‌کشی‌در ایران پس از دوران حمله مغول تاحدز یادی روبه انحطاط‌رفت، تاجایی که نخستین نقشه‌های شهری رسم‌شده‌از شهرهای مختلف ایران‌زمین که اغلب نقشه‌های قاجاری است، توسط مستشرقان والیته نظامیان روسی وانگلیسی رسم‌شده‌اند. واقعیت تاریخی تلخی که البته امیرکبیر آن را ختم به خیر کرد.

مهندس «عبدالرزاق بغایری» یکی از این‌دانش‌آموختگان بود که بعدها دریاه‌گذاری رشته‌نقشه‌برداری وتهیه نقشه‌هابه‌ویژه‌تعیین حدود مرزی کشور، خدمات‌شایانی انجام‌داد. اوسال ۱۳۰۲ خورشیدی به‌مشهد آمد و با همکاری اسماعیل خان مهندس و علی اصغر خان مهندس، سه نقشه‌شامل نقشه‌شهر مشهد، نقشه حرم مطهر رضوی ونقشه مسجد گوهرشاد را ترسیم کرد. نکات مثبت این نقشه‌ها در این است که به‌فاصله‌اندکی از ترسیم آن‌ها، تغییرات عمده عمرانی شهر مشهد ومجموعه حرم مطهر رضوی با هدایت شخص پهلوی اول و اجرای محمدولی اسدی، نایب التولیه وقت، آغاز شد، بدان گونه که بخش بزرگی از آنچه بغایری ترسیم کرد، حدود پنج سال دیگر وجود خارجی نداشت وبه تاریخ

پیوسته‌بود.

- نقشه تاریخ ساز

اگر از بغایری که نظامی بود، بگذریم، بد نیست بدانید که چون رشته‌های نظامی در دارالفنون جایگاه ویژه‌ای داشت، اغلب‌دانش‌آموختگان این مدرسه بعدها به جمع نظامیان ایران پیوستند و همین موضوع نیز عاملی شد تا نخستین مجموعه رسمی نقشه‌برداری کشور، زیر مجموعه قوای مسلح ایران یا بهتر بگوییم وزارت جنگ وقت و آن هم در سال ۱۳۰۰ خورشیدی ایجاد شود، مجموعه‌ای که هر چند عبدالرزاق بغایری سرتیپ مهندس سابق، نقشه‌های خود را به‌دستور آن ترسیم نکرده بود، در اختیار این سازمان قرار گرفت تا هنگام اجرای تغییرات خواسته پهلوی اول

شکستن هژمونی نظام فرهنگی خاص شهر مشهد ترسیم کرد.

این مهم وقتی کامل می‌شود که بدین‌مأموران دولتی وقت برای ایجاد دیگر خیابان در حال تأسیس در سال ۱۳۱۰ براساس اطلاعات این نقشه یعنی خیابان خسروی، منزل چند نفر از بزرگان دینی وقت شهر، از جمله آیت‌ا...

● سومی ویژگی این نقشه، ترسیم خیابان‌ها ومیدان‌های در حال احداث مشهد در آن دوران است، به عبارت دیگر، این نقشه نوعی آینده‌نگری را در خود نهفته دارد وخبر از وضعیت راه‌های درون شهری مشهد در آینده نزدیک می‌دهد، راه‌هایی که ایجاد هر کدام، بخشی از بنا‌ها و البته برج و باروی قدیم شهر را در معرض تهدید قرار می‌دادند وبه‌مرور ساختار شهر را دچار تغییرات عمده می‌کردند. مهم‌ترین این راه‌های در حال ساخت «فلکه حضرتی» بود، فلکه‌ای که به‌خواست پهلوی اول در اطراف حرم مطهر رضوی ساخته‌شد تا هر چند به‌ظاهر رفت‌وآمد به حرم مطهر رضوی را تسهیل می‌کرد ولی در باطن، قصد داشت حرم را از شهر جدا کند، موضوعی که برای تحقق آن، بخشی از بازارها، مدارس، مساجد و بناهای تاریخی مشهد که در برخی موارد از عهد تیموریان به یادگار مانده بود، تخریب‌شد وبدین گونه نه تنها تاریخ وهویت شهر مشهد، قربانی نوسازی‌شد، که بسیاری از فضاهای هویت ساز شهر هم نابود‌شد تا پهلوی اول ویارانش این امکان را داشته باشند که هویت مشهدی هارا آن گونه که خود می‌خواهند، بازسازی‌کنند.

گسترش بالاخیابان وپایین خیابان به‌اراضی خارج از برج و باروی شهری که در این نقشه با ترسیم خطوط قرمز هاشوردار مشخص شده‌است و همچنین خیابان‌دانش‌کنونی را باید در همین راستا

نقشه ترسیم‌شده ازسوی سرگردقوانلو وسروان شعبانی ویژگی‌های بسیار خاصی دارد، براساس آن‌هامی‌توان این نقشه را نقشه دوران گذار مشهد از شهر قاجاری به شهر پهلوی، از شهر اسلامی به شهر غربی و از شهر تاریخی به شهر امروزی دانست.

- ویژگی‌های نقشه سال ۱۳۱۰ خورشیدی

یکی از این ویژگی‌ها ترسیم هم‌زمان معابر جدید برج و باروی قدیم شهر است. در این نقشه، ضمن ترسیم حدود برج و باروی قدیم شهر که حکایت از وجود کامل آن تا زمان ترسیم نقشه دارد، خیابان‌های جدید ایجاد شده در دهه نخست قرن چهاردهم هجری در محدوده شهر قدیم مشهد، چون خیابان طبرسی، خیابان فردوسی (خیابان تهران فعلی)، خیابان شاه‌رضای وقت (اکنون بخشی از آن، آیت‌ا... خزعلی وبخش دیگر، آیت‌ا... بهجت نام دارد) و راسته خیابان پهلوی یا ارگ (خیابان امام خمینی^(۵) امروز) و البته بخش مرکزی آن یعنی حدفاصل ایستگاه سرب و خیابان سعدی امروزی و میدان ده‌دی کنونی، مشخص شده‌اند. البته برای ترسیم محدوده برج و بارو از رنگ مشکی تند که حکایت از کهنگی ودیرپایی دارد وبرای نشان دادن خیابان‌های جدید از رنگ قرمز که تازگی وامروزی بودن را حکایت می‌کند، استفاده شده‌است. ● دیگر نکته خاص این نقشه، معرفی خیابان‌های ایجاد شده در محدوده خارج از برج و باروی شاه‌طهماسبی مشهد در دهه نخست قرن چهاردهم هجری است. برجسته‌ترین خیابانی که در این حوزه، طی دوره زمانی مدنظر ایجاد شده و در نقشه سرگردقوانلو وسروان شعبانی هم به‌طور کامل با معرفی بنا‌ها و اراضی موجود در طرف آن ترسیم‌شده، خیابان کوهسنگی است. همچنین باید از ادامه

نخستین نقشه

زمان رسم: ۱۲۲۷ خورشیدی

نقشه بردار: خانیکوف روسی

ویژگی: این نقشه یک نمای کلی از مشهد را نمایش می‌دهد که نام‌شش دروازه مهم نوغان، بالاخیابان، پایین خیابان، سرباب، ارگ وعیدگاه بر آن نقش خورده‌است.



دومین نقشه

زمان رسم: ۱۲۴۸ خورشیدی

نقشه بردار: ژولیس ایرلندی

ویژگی: نقشه ژولیس، کامل ترین نقشه مشهد پیش از دوران پهلوی است که در آن ریز مسائلی مانند فضای سبز که تقریباً یک چهارم شهر را بر می گرفته، با سامی مالکان باغ‌ها و فضای قبرستان مشهد آمده‌است. همچنین نام ۵۰ تکیه، ۳۶ قراولخانه (پاسگاه امروزی)، ۱۳ مدرسه وموقعیت ۳۰ حمام، حوض آب، کاروان سراسری آن مشخص شده‌است.



نمایی از مشهد در زمان دوره، دوران چهاردهم خورشیدی

در مشهد از یک سوز بردستی برای مجریان طرح باشد و از دیگر سو، امکان روشنگری مخالفان طرح را که اغلب از روحانیون وتجار مشهد بودند، با استفاده از آن نقشه از بین ببرد. درست به همین منظور هم بود که سال ۱۳۱۰ به سرگرد پیاده مصطفی قوانلو وسروان پیاده حسام الدین شعبانی که به ترتیب رئیس دایره نقشه‌برداری و افسر نقشه بردار ارتش مستقر در خراسان بودند، مأموریت داده شد تا نقشه کامل مشهد را با ذکر آنچه قرار است در شهر اجرا شود، ترسیم‌کنند؛ نقشه‌ای که دی ماه ۱۳۱۰ خورشیدی تکمیل‌شد و در اختیار دایره جغرافیایی ستاد ارتش ایران قرار گرفت تا از آن پس، نقشه پایه ومادر مشهد باشد و براساس آن، تاریخ شهری مشهد ترسیم‌شود.



نقشه پایه مشهد در قرن چهاردهم

نقشه ترسیم‌شده ازسوی افسران دایره جغرافیایی ستاد ارتش ایران یعنی سرگرد پیاده مصطفی قوانلو وسروان پیاده حسام الدین شعبانی در دی ماه ۱۳۱۰ را با توجه به موارد که در شده می‌توان نقشه پایه مشهد در قرن چهاردهم هجری لقب داد. این نقشه در سال‌های بعد، چنان‌زمان که این دوافسر نقشه‌های بعدی مشهد از جمله نقشه ۱۳۲۵ خورشیدی را ترسیم کرده‌اند و چه زمانی که به جز سازمان جغرافیایی ارتش که تغییر نام یافته دایره جغرافیایی این نهاد است، مجموعه‌های دولتی دیگر چون سازمان جغرافیایی کشوری وحتی مؤسسات خصوصی جغرافیایی چون سحاب ومه‌وا و آن اقدام به ترسیم نقشه مشهد کرده‌اند، مهم ترین زیردستی آنان برای تولید نقشه جدید بوده‌است، امری که در کنار دوگانگی موجود در نقشه یعنی کهن ونو بودن هم‌زمان آن، اثرا ایجاد شده توسط این دوافسر پیاده را به یکی از ماندگارترین نقشه‌های شهری مشهد تبدیل کرده‌است؛ نقشه‌ای که هویت امروزی شهر مشهد به‌عنوان دومین کلان شهر ایران اسلامی وام‌دار آن است.

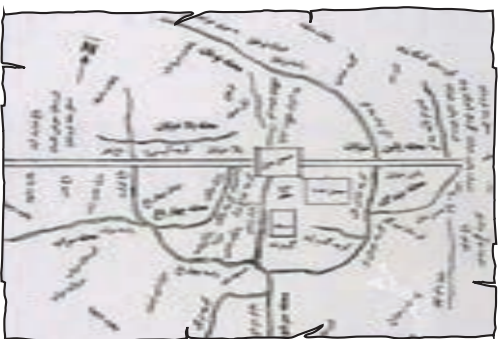
ترسیم‌نشده بودند. در این نقشه حتی بن‌بست‌های کوچک هم بادقت و در مقیاسی مناسب ترسیم شده‌اند. کوچه‌ها و بن‌بست‌هایی که بسیاری از آن‌ها با توجه به طرح‌های عمرانی

سومین نقشه

زمان رسم: سال ۱۲۵۳ خورشیدی

نقشه بردار: چارلز متکالف مک گرگور اسکا تلندی

ویژگی نقشه: در این نقشه که به زبان انگلیسی است، دروازه‌ها به‌طور کامل، قراولخانه‌های اصلی وحرم در ابعادی کوچک ترسیم شده‌است. در واقع این نقشه با هداف ودید نظامی کشیده شده‌است.



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت

قصه ما و از یک‌ها (قسمت دوم)



ارد شاه اسماعیل با شیبک خان از یک، جنگ مرو، نگارگر ناشناس، اواخر سده نوزدهم

مربضیه ترابی

وقتی به کلمه «از یک» در تاریخ مشهد بر می‌خوریم، یعنی می‌خواهیم از یک مصیبت بزرگ حرف بزنیم. لابد می‌گویید: بابا! این قدرها هم بد نیست! اگر کلمه از یک در تاریخ مشهد مصداق بلا ومصیبت است. پس «سرای از یک‌ها» که برخی آن را بزرگ‌ترین کاروان‌سرای مشهد قدیم می‌دانند، در پایین خیابان چه کار می‌کند؟ درست می‌گویید. اما «سرای از یک‌ها» ماجرایش با خود از یک‌ها ومصیبت‌هایشان توفیر دارد؛ این کاروان‌سرای قدیمی که به قول مرحوم عبدالحمید مولوی، مشهد پژوه‌فقیّد، دست کم از سال ۱۱۵۸ هجری قمری برقرار بوده‌است وطبق گزارش «طومار عضدالملک»، «مطلع الشمس»، آن را بنام کاروان‌سرای «خان میرمعین» یا به قول خانیکوف، «میرمعین» می‌خواندند و از سال ۱۲۷۲ هجری قمری، توسط فردی به نام «بالداش بیگ»، تماماً وقف آستان قدس رضوی شده‌است. ماجرایش بر می‌گردد به دوران سلطه روس‌ها بر از یک‌ها و فروکش کردن ترکمن تازی‌های اوایل عهد قاجار.

یعنی زمانی که بساط تجارت برای بازرگانان مشهدی پهن بود و آن‌ها مشتری پشم گوسفندان، قره گل، بودند، محصولی که در ترکمنستان و ازبکستان امروزی، خیلی خوب تولید می‌شد و بعد آن را با شتر، می‌رساندند به دروازه‌های مشهد و اتفاقاً، از دروازه پایین خیابان وارد شهر می‌کردند و احتمالاً یک راه‌ست می‌بردند به سرای از یک‌ها. بنابراین با این تبصره‌ها و استثنائات تاریخی، نمی‌شود مصیبت از یک‌ها را که دست کم از اوایل عهد صفوی تا اواخر آن، بالای‌جان مردم مشهد بود، منکر شد و آن بلای ناگهانی را از یاد برد؛ بلایی که باعث‌شد مشهدی‌ها، در دروازه، «میرعلی‌آمو» را در شمال شرقی مشهد ببندند و این شایعه در میان آن‌ها قوت بگیرد که اگر کسی این دروازه را باز کند، بلا ومصیبت همه‌شهر مشهد را فرا خواهد گرفت. دروازه میرعلی‌آمو که قدیم‌ها جایی در نزدیکی مکان فعلی، بوستان میر، در حاشیه بولوار وحدت قرار داشت و البته در مسیر مستقیم هجوم از یک‌ها واقع شده بود.

- این قصه سر دراز دارد

خراسان، البته با هجوم اقوام مهاجم شمال شرقی بیگانه نیست، کوروش، پادشاه هخامنشی، اصلاً در نبرد با همین اقوام کشته‌شد؛ آن موقع به آن‌ها، ماساژت، می‌گفتند.

بعدها، تا پیش از آغاز دوره اسلامی، هیتال‌ها که از قوم‌وخویش‌های آتیلو قبایل، «هون» بودند، بارها به مرزهای شمال شرقی ایران که همین خراسان بزرگ خودمان باشد، ریختند و غارت کردند و کشتند و بردند! بعد از اسلام هم، هجوم پیاپی ترکان، نه فقط سامانیان ایرانی تبار را روانه پایگانی تاریخ کرد، بلکه باعث استیلای چندصدساله مهاجمان بر ایران شد، بعد از آن بود که غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان ترک‌نژاد بر ایران غلبه کردند تا نوبت رسید به مغولان و بعد از آن‌ها، تیمور لنگ با سه هجوم پنج ساله، سه ساله وهفت ساله‌اش.

از یک‌ها هم از تیر و طایفه‌ای نزدیک به مغولان بودند که هر وقت بین آن‌ها خان یا امیر مقتدری پیدامی‌شد، خوی چپاولگری‌شان عود می‌کرد و می‌تاختند به هرات ومرو مشهد، خان از یک اصلاً خودش را از نوادگان چنگیز خان می‌دانست (دروغ که استخوان نیست تادر گلی آدم گیر کند!).

وقتی صفویه در ایران به قدرت رسید، بهانه هجوم، امیل به تاراج تبدیل شده با اختلافات مذهبی، البته اصل قضیه همان بهانه اولی بود؛ ولی اینجا، از یک‌هامی‌توانستند روی کمک عثمانی‌ها هم حساب باز کنند. به این ترتیب، از حدود سال ۸۸۰ خورشیدی، یعنی نیمه نخست دوران حکومت شاه اسماعیل یکم صفوی، از یک‌ها هجوم گسترده به خاک ایران و محدوده خراسان را شروع کردند و عملاً توانستند بارها به مشهد حمله کنند.

نمونه، سال ۹۶۸ خورشیدی، اوایل سلطنت شاه عباس یکم که عبدالمؤمن خان از یک شهر مشهد را محاصره کرد و این محاصره، چهار ماه طول کشید.

دست‌آخر به دلیل نرسیدن کمک، شهر به دست ازبکان افتاد و آن‌ها هم از کشته، پشته ساختند و حتی داخل حرم امام رضا^(ع) هم دست‌از کشتار برنداشتند. آن قدر که برخی می‌گویند نام قبرستان قتلگاه از آن زمان شهرت یافت و اصلاً عنوان قتلگاه، اشاره به کشتار گسترده ازبکان از مردم مشهد در این حمله‌ها رد.

این مصیبت عجیب وغریب، قبل از این تاریخ و در دوره شاه اسماعیل یکم هم اتفاق افتاد؛ زمانی که شیبک خان از یک، به گواهی و گزارش فضل‌ال... روزبهان خُنجی در «همان نامه بخارا»، با استفاده از شرایط بحرانی ایران، خود را در خرداد سال ۸۸۸ خورشیدی به نزدیکی مشهد رساند و در «خواجہ ربیع» اتراق کرد و بعد، بدون درگیری وارد مشهد شد. آنجا که دیگر مقاومتی نبود و ازبکان بدون درگیری وارد شهر شدند؛ اما مدتی بعد، وقتی شاه اسماعیل توانست از یک‌ها را ابتار اند و مشهد را آزاد کند، مؤلف ناشناس، «عالم‌آرای صفوی»، در کتاب خود، این گونه وضعیت حرم رضوی را تشریح کرد: «ازبکان فرش آستان ملایک را تالان نموده وقتنادیل طلا و نقره را باقالی وغیره برده بودند».

- فروکش کردن آتش طغیان

اگر بخواهیم وضعیت حمله از یک‌ها را در این دوره دقیق بررسی کنیم، باید بگوییم که هجوم آن‌ها کاملاً تابعی از حمله عثمانی‌هایی به خاک ایران بود؛ اصلاً از یک‌ها با سلطان عثمانی هماهنگ بودند و تا هنگامی که او اجازه نمی‌داد، دست به حمله نمی‌زدند.

این وضعیت تا پایان دوره صفوی برقرار بود؛ با این حال، دیگر هجومی مانند هجوم عبدالمؤمن خان، با آن فضیحت وجنایت، اتفاق نیفتاد و پس از آن نیز، ازبکان روبه ضعف نهادند؛ دلیلش چه بود؟ اینکه از یک طرف، قبایل ترکمن بر آن‌ها غلبه کرده‌دست و پایشان را از مناطق شمال رودخانه اترک کوتاه کرده بودند و از طرف دیگر، در میان خود ازبکان هم بازار بردار کشی برای تصاحب حکومت داغ شده بود و به همین دلیل، دیگر امیر یا خان مقتدری ظهور نکرد که بتواند این قوم سرکش را برای غارت خراسان بزرگ فرماندهی کند.

به این ترتیب، قصه ما و از یک‌ها، از آن شر و شور رسیده به تجارت مؤدبانه ومرسوم؛ جالب اینجاست که مردم مشهد، آن همه‌های سخت را از یاد نبردند و گاهی در تاریخ قاجار، ترک‌نمانان را هم مترادف ازبکان گرفتند، هر چند که از منظر نژادی نیز چندان مقایسه بی‌راهی نبود.

شهر

SHAHRAANEWS.IR
اشنبه
۱۳ شهریور
۱۳۹۱
صفحه ۷۲
شماره ۲۷۵۲



تاریخ و هویت